
بخش غیررسمی مالی و

پدیده پولشویی

دکتر حسین مرزبان^۱

چکیده

در قرن بیستم تحولات بزرگی در زمینه ارتباط جمعی روی داده است. این تبادل جهانی اطلاعات، آگاهی لحظه‌ای ابنای بشر را از تحولاتی که در گوشه و کنار جهان می‌گذرد، در پی دارد. به دنبال کسب این آگاهی، وجدان بشری شکل می‌گیرد. این وجدان جمعی ابزاری برای مقابله با آسیب‌های جمعی است. کنفرانس جهانی محیط زیست، دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی و... نشانه‌هایی از ظهور و تکامل این وجدان جمعی محسوب می‌شود. در زمینه مبارزه با جنایات سازمان یافته نیز تشکل‌هایی به وجود آمده است. از آن جا که این فعالیت‌های خانمان برانداز، عمدتاً به نیت کسب سود و درآمد از راه‌های نامشروع سازمان‌دهی می‌شوند، جامعه بشری بر آن گردید که به منظور برچیدن بساط جنایت کاران در مرحله اول، شریان پولی آنان را قطع کند. در حقیقت، به این جنایتکاران تفهیم کند که ثمره تلاش نامیمون‌شان متعلق به آنان نخواهد بود. در این چارچوب، توصیه

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز.

نامه مفصلی را سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن تهیه کرده و از کلیه کشورهای جهان خواسته‌اند، که به آن بپیوندند. جمهوری اسلامی ایران نیز در صدد پیوستن به این توافق بین‌المللی است. مقاله حاضر، از یک طرف تلاشی است برای نشان دادن امکانات ایران در جهت پیوستن به جامعه جهانی و از طرف دیگر، کوششی است بر آشکار کردن آثار و تبعات پدیده پولشویی. در این رهگذر، بازار غیر رسمی مالی در ایران به عنوان یک معضل در راه مبارزه با پولشویی خود نمایی می‌کند و بنابراین ضروری است که با فراهم آوردن تمهیدات لازم تا حد امکان از اثرات ویرانگر آن کاست.

مقدمه

در بیش‌تر کشورهای پیشرفته دنیا بازارهای مالی به نسبت کارا توانسته‌اند زمینه‌های ظهور بازارهای غیر رسمی مالی را از بین ببرند. در این گونه کشورها، نظام‌های مالی تکامل یافته، ابزار کنترلی لازم را نیز برای محدود ساختن عملیات پولشویی و جلوگیری از آن ایجاد کرده‌اند. لذا پول‌شویان به دنبال کشورهایی هستند که بازارهای مالی آن‌ها در حال رشد باشد و کنترل‌های نظارتی لازم نیز در آن جا قابل اعمال نباشد. در همین شرایط، کشورهای در حال توسعه در کنار بخش رسمی خود معمولاً شاهد حضور یک بخش غیر رسمی مالی نیز هستند. وجود این بازارهای مالی پراکنده^۱ و غیر کارا زمینه را برای فعالیت پول‌شویان آماده می‌کند. بدین ترتیب، پول‌شویان بین‌المللی با توجه به تفاوت در مقررات ضد پولشویی، منابع شان را به مناطقی منتقل می‌کنند که قوانین ساده تری دارند و در اعمال آن‌ها نیز ضعیف‌تر عمل می‌کنند. در مقاله حاضر، ضمن بررسی بازارهای مالی غیر رسمی و علل شکل‌گیری آن‌ها در کشورهای در حال توسعه نشان خواهیم داد که بازارهای غیر رسمی می‌توانند از ضعف‌ها و ناکارایی‌های بخش رسمی استفاده کنند و زمینه مناسبی را برای فعالیت‌های پولشویی فراهم آورند. در ایران بخش مالی غیر رسمی، به علت ممنوعیت

۱. یک سیستم مالی را پراکنده گویند که هرگاه ارتباط بین اجزاء آن ضعیف باشد و بازدمی تصحیح شده برای ریسک نیز در بازار از تفاوت زیادی برخوردار باشد. (Fragmented Markets).

ربا خواری، به صورت نهادی مجرم شناخته می‌شود. در پی این فرایند غیرقانونی یا مجرم قلمداد کردن^۱ فعالان بخش مالی غیر رسمی، زمینه پیدایی و حضور این فعالان در بسیاری از فعالیت‌های غیر مجاز مالی دیگر نیز فراهم شده است، تا جایی که این همکاری نامیمون بین بخش مالی غیر رسمی و مجرمان واقعی ممکن است زیان‌های عمده‌ای را برای اقتصاد کشور در بر داشته باشد.

مقاله حاضر در چند بخش ارائه می‌گردد؛ بخش اول تعریفی اجمالی از پولشویی و مشکلات ناشی از آن را ارائه می‌کند. بخش دوم به بازارهای غیر رسمی و پیامدهای آن‌ها می‌پردازد و بخش سوم بازار آزاد ارز را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان مقاله نیز نتیجه گیری ارائه می‌شود.

۱. پدیده پولشویی

در منابع علمی و مبانی نظری علوم اقتصادی، پولشویی عبارت از فرایندی است که فرد مجرم وجود منابع غیر قانونی کسب درآمد و یا به کارگیری غیر قانونی درآمدهای مکتسبه را به وسیله آن پنهان می‌کند (و یا در جهت پنهان کردن آن می‌کوشد)، و یا ظاهر درآمدهای غیر مشروع را به نحوی تغییر می‌دهد که مشروع به نظر آیند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۱)^۲. در تعریف دیگر، پولشویی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن دارایی‌های به دست آمده را جنایتکاران و مجرمان به گونه‌هایی تبدیل یا مخفی می‌کنند که ارتباط آن دارایی‌ها با جرم نا پیدا گردد (سازمان ملل، ۱۹۹۸). به بیان دیگر، مجرمان در هر جامعه می‌کوشند هم عمل خلاف را بپوشانند و هم عایدی ناشی از آن را مخفی کنند، به نحوی که حتی در صورت دستگیری فرد مجرم مقامات قضایی نتوانند اموال و درآمدهای به دست آمده را از وی باز ستانند. به همین دلیل است که منابع پول‌های کثیف را منحصر به تجارت مواد مخدر نمی‌دانند. جرم‌های مالی نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرند که روز به روز

1. Criminalization.

2. U.N, 1991.

نیز بر اهمیت و وسعت آن‌ها افزوده می‌شود. مواردی مانند تقلب در شبکه بانکی، کارت‌های اعتباری، طرح‌های سرمایه‌گذاری و کلاهبرداری، در شمار این جرائم هستند. در انجام عملیات پولشویی، به طور سنتی، از دو شبکه بانکی و مؤسسات غیر بانکی استفاده می‌شود. مؤسسات غیر بانکی، شامل مؤسسات مالی غیر بانکی و مؤسسات غیر مالی تجارتهی هستند. با ناامن شدن شبکه‌های بانکی، گزارش‌های متعدد نشان‌دهنده به کارگیری دیگر مؤسسات تجارتهی و مؤسسات مالی غیر بانکی برای اجرای عملیات پولشویی هستند. به کارگیری شبکه تجارتهی غیر رسمی و حتی بعضاً رسمی به منظور کمک به فرایند پولشویی موجب توسعه قاچاق در کشور می‌گردد و در کنار قاچاق کالا و خدمات، شبکه مالی رسمی و غیر رسمی در خدمت جابه‌جایی وجوه به دست آمده قرار می‌گیرد (در مورد سازوکار ارتباط متقابل این بخش‌ها در قسمت‌های بعدی مقاله توضیح بیشتری ارائه می‌گردد). بعد از کسب درآمد در چرخه‌های خلاف قانون، کل عملیات پولشویی در شبکه بانکی معمولاً در سه مرحله صورت می‌گیرد:

در مرحله اول که مرحله جایگزینی^۱ است، مبلغ نقد وارد نظام مالی می‌شود و موجودی نقدی به صورت ابزارهایی از قبیل چک مسافرتی، حواله‌های پولی و مانند آن در می‌آید.

در مرحله دوم که مرحله پوشش دادن^۲ است، موجودی از حساب‌های اولیه به دیگر حساب‌ها در همان موسسه و یا در سایر مؤسسات مالی منتقل می‌شود تا منابع هر چه بیشتر از فعالیت‌های خلاف اولیه دورتر کنند. در مرحله سوم که مرحله باز گرداندن^۳ است، منابع اولیه مجدداً به فعالیت باز می‌گردد، تا در موارد قانونی و یا غیر قانونی به کار گرفته شوند.

با توجه به نکات فوق، در مقررات نیروی ضربت اقدامات مالی (FATF)^۴ وظایفی به عهده مؤسسات بانکی گذارده شده که عمدتاً شامل بررسی کیفی سپرده‌هایی است که وارد

1. Placement Stage
2. Layering Stage
3. Integration Stage
4. Financial Action Task Force (FATF).

شبکه بانکی می‌شوند. کارکنان موسسات مالی موظف به هوشیاری و کسب اطلاعاتی هستند که مشخص کند آیا وجوه وارد شده به مؤسسه آنان پاکیزه هستند یا کثیف.^۱ حال باید دید برای کشورهایی مانند ایران که متأسفانه از قدرت جذب بالای سپرده‌های خارجی برخوردار نیستند ورود این گونه پول‌ها نعمت است یا نعمت.

۲. پیامدهای پدیده پولشویی

در منابع علمی و مبانی نظری اقتصاد گفته شده چنانچه کشوری با هجوم پول‌شویان در ابعادی گسترده رو به رو باشد و در مقابله با آن اقدامات موثری انجام ندهد، اقتصاد آن کشور ممکن است از اثرات منفی آن به شرح ذیل آسیب ببیند:

- تغییرات ناگهانی در تقاضا برای پول داخلی، چنانچه بپذیریم که تقاضا برای پول می‌تواند عرضه پول را نیز تحت تأثیر قرار دهد،^۲ باید منتظر بی‌ثباتی‌های گسترده در بازار پول کشور باشیم.

- خطرات اجرایی برای سالم ماندن موسسات مالی و نظام مالی در کل.

- آلوده کردن مبادلات قانونی و افزایش نوسان در ورود و خروج سرمایه از کشور، به‌خصوص اگر این نوسانات کوتاه مدت باشند و متوسط آن‌ها نیز بی‌ثبات باشد.

- نوسانات غیر معقول در نرخ ارز، به دنبال ورود و خروج سرمایه از کشور نرخ ارز در بازار ممکن است بی‌ثبات شود، به‌خصوص اگر حجم مبادلاتی که به قصد پولشویی انجام می‌شوند زیاد باشد.

- محدود کردن حضور سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشور؛ چنانچه نظام

تجارتی و مالی کشور تحت تسلط باندهای جنایتکار شناخته شوند.

به منظور مهار کردن آثار سوء این گونه نوسانات در نظام مالی کشور توصیه می‌شود مراحلی به شرح ذیل برای جلوگیری از پدیده پولشویی در شبکه مالی رسمی به اجرا گذارده شود:

- تنظیم فرایندهایی برای شناخت مشتری.

1. Dirty Money
2. Endogenous Money Supply

- نگهداری یک سیستم مناسب بایگانی اطلاعات.
- اختصاص افراد خاصی برای گزارش پولشویی.
- طراحی فرایندها و کنترل‌های داخلی.
- آموزش کارکنان برای به اجرا گذاردن فرایندها و تشخیص مبادلات مشکوک.

چنان که در موارد بالا مشخص است، اجرا کردن چنین توصیه‌هایی نیاز به موسسات مالی سازمان یافته‌ای دارد که دارای انگیزه کافی نیز باشند. به هر حال، این که نظام بانکی کشور ما تا چه اندازه دارای سازوکار و زیر ساخت‌های لازم برای اجرای این توصیه‌ها است، خود جای سؤال دارد.^۱ در ادامه، بحث‌مان را با این فرض پیگیری خواهیم کرد که شبکه‌های دولتی و خصوصی بانکی کشور کاملاً بر اجرای اصول بالا پافشاری می‌کنند.

۳. بازار مالی غیر رسمی^۲

در منابع علمی اقتصاد، تعاریف مختلفی برای بخش‌های غیر رسمی ارائه شده است. در یک تعریف ساده و جامع می‌توان گفت: بخش غیر رسمی، بخشی است که نزد هیچ سازمان یا مقام رسمی ثبت نشده، به صورت زیرزمینی کار می‌کند و بعضاً به فعالیت‌های غیر قانونی نیز می‌پردازد (مانتیل و دیگران، ۱۹۹۳).^۳ در فعالیت‌های غیر رسمی یا بازار سیاه معمولاً از منابع عمومی^۴ استفاده می‌شود. محصول نهایی اجتماعی^۵ فعالیت‌های غیر قانونی، معمولاً منفی است یا محصول نهایی خصوصی^۶ آن‌ها بیش‌تر از محصول نهایی اجتماعی‌شان است. یکی از بخش‌های فعال در اقتصاد کشورهای در حال توسعه بخش مالی غیر رسمی است که در کنار بخش مالی رسمی که از مشکلات متعددی رنج می‌برد، به وجود می‌آید.

۱. باز کردن حساب جاری و صدور دسته چک برای افرادی که به هیچ عنوان واجد شرایط دریافت آن نیستند، نشان دهنده نفوذ افراد ناصالح در نظام بانکی است. در چنین نظامی انگیزه لازم برای مبارزه با عناصر نامطلوب بسیار کم است و برعکس، زمینه برای نادیده گرفتن مقررات و دریافت رشوه بسیار زیاد است.

2. Informal Financial Market
3. Montiel, Peter, and et al., 1993.
4. Common Resources
5. Social Marginal Product
6. Private Marginal Product

اغلب بخش‌های مالی غیر رسمی به منظور برآوردن نیازهای خاص^۱ تأسیس می‌شوند؛ مثلاً در کشور ما نیاز به اعتبارات سریع و راحت موجب توسعه بازار اعتبارات غیر رسمی یا بازار آزاد با نرخ‌های بالا گردیده است.

اگر چه این فعالان در بازار مالی غیر رسمی در بخش‌های مختلف تولیدی - خدماتی فعالیت می‌کنند، اما همگی با خطرات کم و بیش یکسانی رو به رو هستند. تحریم ربا بعد از انقلاب اسلامی، فعالیتی را که در قبل از آن قانونی بود، غیر قانونی و زیر زمینی کرد. بنابراین، هزینه‌های معاملاتی^۲ قراردادهای وام بازار آزاد که عبارت از هزینه‌های جستجو، هزینه انعقاد قرارداد و هزینه پیگیری آن در محاکم است، به شدت افزایش یافت. در پی تحریم ربا چنان چه قرض گیرنده حاضر به پرداخت بدهی‌اش نبود، رباخوار نمی‌توانست به مقامات قضایی مراجعه کند. لذا به مرور زمان به اجبار قرارداد وام با نوعی قرارداد قابل ارائه در محاکم پیوند زده شد تا امکان عدم پرداخت کاهش یابد؛ مثلاً نزول خوار قرض را با فروش نوعی دارایی یا محصول مرتبط می‌کند، تا در صورت لزوم بتواند از حمایت قانون برخوردار شود و از آن جا که فروش اقساطی امری قابل قبول است، قرارداد وام را معمولاً با فروش دارایی یا کالای اقساطی همراه می‌کنند. در این جا رباخوار به جای دریافت نرخ تنزیل حرفه که اصطلاحاً در بازار نرخ اسکونت خوانده می‌شود، از نرخ بهره بازار سیاه استفاده می‌کند. در بازارهایی مانند فروش رایانه و بازار خرده فروشی کالا و خدمات، این گونه عملیات تجارتنی به وفور دیده می‌شود. از آن جا که نفس بازارهای غیر رسمی در گرو مخفی بودن فعالیت‌های آنهاست، نمی‌توان آمار و اطلاعات خاصی در این مورد ارائه کرد. به هر حال، نکته اساسی مطرح در زمینه پولشویی، تأمین منابع سپرده‌ای بخش مالی غیر رسمی توسط پول‌شویان است. به دلیل آن که فعالان در بازار مالی غیر رسمی مایلند هزینه‌های جمع‌آوری منابع اولیه را به حداقل کاهش دهند، در این چارچوب می‌توانند از همکاری متقابل بین خود و پول‌شویان حداکثر فایده را ببرند. ربا خواران برای به دست آوردن منابع قابل عرضه در بازار استقراض به چند شیوه می‌توانند عمل کنند:

1. Purpose Oriented
2. Transaction Costs.

الف) از سرمایه شخصی‌شان برای دادن وام استفاده کنند، که در این صورت حیطة عملیات‌شان محدود و پرتفوی مالی‌شان خطر آفرین خواهد شد؛

ب) از منابع دیگران نیز استفاده کنند، که در این صورت از منابع پس انداز کنندگان داخلی که حاضر باشند در بازار استقراض ربوی سرمایه گذاری کنند، استفاده خواهد شد؛

ج) به بازارهای جهانی مراجعه و از منابع خارجی برای دادن اعتبار استفاده کنند؛
حال باید دید که در شرایط موجود در بازار مالی ایران کدام یک از شیوه‌های فوق مقبول‌تر است. از آن جا که ربا خواران طبق قوانین کشور متخلف به حساب می‌آیند، غالباً سپرده‌های مالی خود را خارج از شبکه بانکی و به صورت نقد نگهداری می‌کنند و به راحتی نیز نمی‌توانند از منابع مشروع داخلی برای دادن وام استفاده کنند. به ناچار فعالان بازار غیر رسمی می‌باید منابع پس اندازی لازم را از منابع خارجی یا از منابع غیر مشروع به دست آورند.

درست در همین شرایط، در کنار قشر رباخوار، گروه دیگری نیز در اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند که منشأ سرمایه در گردش آن‌ها مجهول است. آن‌ها وارد کنندگان کالاهای قاچاق هستند. بعضاً دیده می‌شود که سرمایه در گردش گروه قاچاقچیان را خریداران نهایی کالاها تامین می‌کنند؛ مثلاً شبکه‌های قاچاق، کالای خریداری شده از خارج از کشور را برای گریز از مقررات گمرکی و نیز مقررات ورود کالا به طور غیر قانونی وارد کشور می‌کنند. اما این یک قاعده کلی نیست. حجم گسترده ورود کالای قاچاق نشان از یک مجموعه قوی مالی دارد که می‌تواند برای هر دوره تجارتي^۱ کالای قاچاق، سرمایه ضروری را تامین کند. در این میان به نظر می‌رسد منابع مالی کثیف وارداتی و داخلی گزینه‌های مناسبی برای پشتیبانی هر دو فرایند وام دهی بازار آزاد و تامین سرمایه کالای قاچاق به حساب می‌آیند. در چنین شرایطی طبیعی است که حساسیت متقاضیان منابع نیز هرگز برانگیخته نخواهد شد؛ زیرا برای فردی که به دنبال اعتبار در بازار آزاد است،

۱. هر دوره تجارتي، شامل زمان لازم برای سفارش کالا، حمل کالا، پیدا کردن خریدار مناسب و فروش آن و نیز برگشت پول به مبدأ است.

فرقی ندارد که سپرده‌ها از کجا آمده‌اند. آیا این منابع از راه‌های قانونی و مجاز به دست آمده‌اند یا خیر؟

پدیده یاد شده، تشابه زیادی به خرید کلی منابع استقراری توسط بانک‌ها از بازار جهانی دارد. اخیراً ملاحظه می‌شود که بانک‌ها در سراسر دنیا به جای اینکه با صرف هزینه زیاد به گردآوری سپرده‌هایی در سطح خرد بپردازند، با مراجعه به بازارهای بین‌المللی به طور یکجا منابع لازم را اکتساب (وام می‌گیرند) و سپس این منابع را در بازارهای داخلی خرده‌فروشی می‌کنند (قرض می‌دهند).

فعالان بازار مالی غیر رسمی نیز برای اکتساب اعتبارات، به شکل مشابهی عمل می‌کنند، با این تفاوت که در بیشتر موارد، آن‌ها از امکان مراجعه به مؤسسات مالی معتبر بین‌المللی برخوردار نیستند و حتی اگر چنین امکانی را هم داشته باشند، باز هم پول‌های کثیف را می‌توانند با قیمت مناسب‌تری در اختیار بگیرند. علت این ارزانی، در حقیقت، ارائه خدمت پولشویی است که وام‌گیرنده در فرایند به عاریت گرفتن منابع انجام می‌دهد. فرایند همکاری فی مابین را بدین صورت می‌توان ترسیم کرد: نخست پول‌های کثیف، صرف خرید کالا و خدماتی می‌گردد که در بازار داخلی متقاضیان فراوانی دارند. سپس متقاضیان کالاهای قاچاق ضمن دریافت یک وام با بهره سنگین، به طور اقساطی بهای کالای خریداری شده را باز پرداخت می‌کنند. اقساط وام از حساب مشتریانی تسویه می‌گردد که عموماً پول‌های پاکیزه دارند. لذا بدون جلب توجه مقامات مالی، تحت عنوان باز پرداخت وام‌های دریافتی، پول‌های شسته شده وارد شبکه بانکی یا تجارتمی غیر مالی می‌شوند و مسیر بازگشت خود به چرخه فعالیت‌های اقتصادی مجاز را پیدا می‌کنند.

بیش‌ترین همکاری بین بخش اقتصاد مالی زیرزمینی و پول‌شویان در قسمت ارزی بخش غیررسمی انجام می‌شود. این گروه از صرافان غیررسمی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و سایر نقاط دنیا همکاری دارند که به راحتی وجوه را دریافت و به حساب‌های مورد نظر در خارج منتقل می‌کنند. این شبکه انتقال ارز در شرایطی تشکیل گردیده است و هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد که بعضاً منابع پاک نیز نیازمند به خدمات آن‌ها

هستند. ادغام ارزشهای کیفی و پاکیزه، کار تشخیص مبدأ پولها را امری غیر ممکن می‌سازد.

۴. بازار موازی ارز

در دهه‌های گذشته، سیاست‌های کنترل واردات و نرخ ارز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور نا موفقی به اجرا گذاشته شده‌اند. در بازار ارز مانند هر بازار دیگری اعمال نظام جیره بندی ارزی، اعم از مقداری و قیمتی (تک نرخ یا چند نرخ)، در عمل فقط به ایجاد یک بازار موازی در کنار بازار رسمی منتهی می‌شود. تا قبل از شناور شدن واقعی ارز، گریز از مقررات و تشکیل بازارهای غیر قانونی قاچاق کالاها و خدمات، گسترش یافته بود و همچنان در حال گسترش است. اگر چه مانند بازار اعتبارات اطلاعات درستی در دست نیست، اما قیمت ارز در بازار آزاد و حجم کالاهای قاچاق در ایران پدیده قابل لمسی است.

در طی دو دهه گذشته اغلب، ارز با نرخ‌های رسمی در اختیار مصارفی قرار می‌گرفت که از دید مسئولان ضروری تشخیص داده می‌شد. در این میان، کمبود عرضه ارز در بازار را بازار آزاد تامین می‌کرد. سازوکار مورد استفاده برای جابه جایی وجوه در بازار آزاد ارز در منطقه خاورمیانه به نظام حواله معروف است^۱. در این نظام دو طرف دلال یا صراف دخالت دارند. ارز مورد نیاز به نرخ روز (مثلاً در ایران) خریداری می‌شود و در کشور دیگر در همان روز به طرف گیرنده پرداخت می‌گردد. سرعت انتقال و عدم برخورد با موانع قانونی انتقال ارز موجب استفاده وسیع از این نظام گردیده است. این نظام برای انتقال وجوه کارگرانی که در کشورهای خلیج فارس کار می‌کنند، نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما در این میان محاصره اقتصادی ایران نیز به تشکیل این بازار سیاه (غیررسمی) کمک فراوانی کرده است. ممنوعیت فروش بعضی کالاها به ایران، بسیاری از فعالان اقتصادی کشور را مجبور ساخته تا از این نظام استفاده کنند. آن‌ها وقتی خواستار کالاهایی باشند که

1. Shehu (2000).

فرضاً مبدأ آمریکایی دارند، باید پرداخت بهای کالا را از طریق غیر از بانک مرکزی ایران و حتی کلیه بانک‌های ایرانی به انجام برسانند. بسیار مشاهده شده تجار ایرانی مستقر در حاشیه خلیج فارس نمی‌توانند از حساب‌های ایرانی‌شان برای پرداخت وجوه سفارش‌های خود استفاده کنند. لذا به طور طبیعی به شیوه‌هایی متوسل می‌شوند تا مبدأ پول‌هایی را که برای خرید کالا و خدمات پرداخت می‌شوند، مخفی کنند. تاسیس و نگهداری این مجموعه از شبکه انتقال ارز هزینه‌های مختلفی در بردارد و زمانی که چنین شبکه‌ای راه اندازی شد، چندان فرقی نخواهد داشت که وجوه منتقل شده برای خرید چه کالایی به کار می‌رود. این بخش از بازار تحت کنترل و نظارت هیچ کس نیست. همکاران این دلالان غیررسمی حتی در شبکه بانک‌های فروشنده ارز نیز حضور دارند و استفاده از این شبکه را به مشتریان توصیه می‌کنند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد شبکه مذکور بتواند به راحتی در زمینه انتقال پول‌های کثیف نیز اقدام کند. برای این گونه دلالان حتی اگر تمایل هم داشته باشند، شناسایی مبدأ پول کار آسانی نیست و تا زمانی که نتوان خدمات مشابهی با کیفیت و تنوع رقابتی در شبکه بانکی عرضه کرد، به نظر نمی‌رسد بر چیدن این نوع شبکه‌های انتقال ارز کار آسانی باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان گردید، عدم کارایی نظام بانکی و اداری کشور، سیاست‌های کنترل واردات و نرخ ارز، و تحریم‌های خارجی باعث گردیده که شبکه غیررسمی مالی اعم از اعتباری و ارزی مورد حمایت وسیع قرار گیرد. ابزار مالی ایجاد شده در این نظام‌ها توسط کسانی که حاضر باشند هزینه‌های مربوط را پرداخت کنند، می‌تواند در سطحی گسترده مورد استفاده قرار گیرند. از آن جا که در این گونه مبادلات اصولاً منشأ پول نمی‌تواند مورد ردیابی صحیح قرار گیرد، لذا چنان‌چه ایران بخواهد به طور اساسی وارد این صحنه مبارزه با پولشویی گردد، اولاً ضروری است نظام بانکی کشور با به کارگیری تمهیدات مختلف که بتواند بازارهای موازی اعتبار و ارز را از حالت غیررسمی و زیر زمینی خارج کرده و آن‌ها

را به عنوان نهادهای رسمی مورد حمایت و بررسی قرار دهد. ثانیاً دولت‌های خارجی تحریم‌های مالی علیه ایران را لغو کنند.

منابع و مأخذ

1. Buencamino. Leonides, Gorbunov Sergei, "Informal Money Transfer Systems: Opportunities and Challenges for Development Finance", DESA Discussion Paper No.26, United Nations, November 2002.
2. FATF, Vii, Report on Money Laundering Typologies, 28 June 1996.
3. Focus International, "Money Laundering, Foreign & Common Wealth Office", London, September 1999. P. 3
4. Montiel, Peter, and et al, Informal Financial Markets in Developing Countries, Blackwell Publishers, 1993.
5. Shehu, Abdullahi Y. "Money Laundering: The Challenge of Global Enforcement", Presented at a Seminar of the Criminology Society of Hong Kong, November 9, 2000.
6. U .N. Global Programme against Money Laundering, UN Office for Drug Control and Crime Prevention (UN-ODCCP), Vienna, Austria, 1991.
7. United Nations, Attacking the Profits of Crime: Drugs, Money and Laundering. Vienna, UN, 1998.